

تحلیل جرایم بازرگانی در حقوق کیفری ایران

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: ۲۷۱۷- ۱۴۶۹

Online ISSN: ۲۷۱۷ - ۱۴۷۷

نمایه در SID، ISC، Noormags

Magiran، Ensani، GoogleScholar

www.jaml.ir

سال پنجم، شماره پانزدهم،

صفحات ۱۲-۱

حمیدرضا حاجی زاده گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده:

وظیفه‌ای که سیاست کیفری بر دوش خود دارد، پیشگیری و مقابله پدیده جرم است که با جرم‌انگاری رفتارهای مخل نظم و امنیت اجتماع از جامعه دفاع می‌کند. با جرم‌انگاری رفتارهایی که فرآیند تجارت سالم را از بین می‌برد و سببی برای ضایع کردن حقوق اشخاصی که در ارتباط با این فرآیند بوده همیشه در همه نهادهای حقوقی تحت عناوینی از روش‌های تنظیم تجارت مورد نظر قرار گرفته است. هرچند در حقوق ایران مقتضیات بهره‌مندی از روش مذکور مرکز توجه قانونگذار بوده، ولیکن سیاست کیفری تقنینی که انسجام و انطباق لازم با مقیاس‌های جدید حقوق کیفری را داشته باشد پیش بینی نشده است. اولین کمبودی که در این زمینه وجود دارد نبود تعریف واضح و روشنی از جرائم بازرگانی است که به چشم می‌خورد، به شکلی که نمی‌توان این مفهوم را با سایر مفاهیم از یکدیگر جدا کرد، همین امر سبب چالشی بسیار اساسی شده است. سیاست کیفری تقنینی که در ارتباط با جرائم بازرگانی وجود دارد محتاج وجود اصول و قوانینی بوده که بی‌توجهی به این موضوع باعث عدم کارایی و بی‌اثر شدن قوانین وضع شده در رابطه با این جرائم را با شدت بیشتری کم کرده است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به این دستاورد رسیدیم که جرائم بازرگانی از سایر جرائم مشابه منفک بوده و تدوین قوانین واحد و منسجم و لزوم تجدیدنظر و اصلاح پیوسته مجازات‌های قانونی از اهم این یافته‌ها است

واژگان کلیدی: جرائم بازرگانی، سیاست جنایی تقنینی، اصلاح قوانین، نقش دولت، حقوق کیفری

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم‌شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

مقدمه

ارکان و اجرا جرائم بازرگانی چیست؟ نقش دولت در مقابله با این جرائم چیست؟

۱- مفهوم و قرین شناسی جرایم بازرگانی

دولت: برای بیان هر مفهومی ابتدا باید به چیستی آن پاسخ داد. برای پاسخ به سوالی مطرحی چیستی دولت باید گفت که مبنای ارتباط معنای دولت با دیگر تعاریف و مفاهیم سیاسی مانند حاکمیت، جامعه، عامه مردم، اجتماع، حکومت به چه صورتی می باشد. بر همین مبنا گونه ارتباطاتی که بین این معانی مفروض واقع می شود مفاهیم و نظریه های متفاوتی است که در مورد دولت ارائه شده است (شاعی زند، ۱۳۹۹: ۴۵).

دولت در علوم مختلف هر کدام معنا و تعریف خاص خود را دارد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

مفهوم دولت در علم حقوق: دولت بخشی است که دارای خصوصیتی مانند: جمعیت، حاکمیت، حکومت و سرزمین باشد.

فلسفه: هدف ملاک و معیار دولت است، بدین معنا که دارای یک هدف بنیادین باشد. در این توضیح معانی مانند خصایص اساسی و لازم، دولت کامل و دولت خوب مواجه هستیم (عالم، ۱۳۹۰: ۱۳۶).

سیاست: دولت بر مبنای آن کمال مطلوبی که مدنظر فیلسوفان است قرار نگرفته، بالعکس بر واقعیت هایی پایه ریزی شده که از گذشته تا به امروز و حتی در آینده نیز وجود خواهد داشت؛ در این تشریح معنا بیان می شود که نظام جامعه، از شکل گیری ها و ساختار بندی های مختلف از مبتدی و ساده گرفته تا سطوح بسیار پیچیده که بر مبنای تحولات تولید پیشرفت و ترقی کرده است (همان، ۱۶۳). اما اگر بخواهیم شکل دیگری از تعاریف دولت را ارائه دهیم باید گفت که دولت به دو دسته: دولت در معنای عام و دولت در معنای خاص تقسیم بندی می شود. دولت در بیان عامه مردم در مفهوم «هیأت دولت»، «تشکیلات و اداره های دولتی» یا «کابینه» بوده است. دولت؛ عظیم ترین نظام در نوع بشر بوده است؛ قدرت و اقتدار سیاسی در آن متجلی و تداوم یافته است. اصطلاح گفته شده در میان عالمین علوم سیاسی بدین شکل معرفی شده است که: «دولت بیان شده است از شماری از مردم در اقلیمی مشخص که به صورت دائمی در آن ساکن هستند و واجد حکومتی هستند و آن حکومت واضع و مجری قوانین بوده و همچنین دارای

دوام و قوام جوامع تنها به وسیله ایجاد نظم و حفظ امنیت امکان پذیر است که این نظم و امنیت در عرصه های مختلف جز با وضع قوانین مناسب و بروزرسانی آن امکان پذیر نیست. از جمله این امنیت ها امنیت شغلی و حق انتخاب شغل و دفاع و حراست از این حق که جز حقوق اولیه بشر پس از حق حیات و آزادی، به شمار می رود. آدمیان از حقوق اولیه و اساسی برخوردار هستند، از جمله این مهمترین حقوق انسانی می توان از حق آزادی شغل و بازرگانی نام برد. این حق که امروزه با عنوان «اصل آزادی تجارت»^۱ شناخته شده است؛ این اصل ضرورتی انکار ناپذیر در همه نهادهای امروزی شکلی قانونی و رسمی به خود گرفته است و مبنای نهادهای بازرگانی و اقتصادی را برپا می کند. بر همین مبنا است که لزوم حمایت از این اصل حمایت بسیار اهمیت دارد، چرا که گاه با افراط در زمینه حراست هایی از حقوق طبیعی انسان باعث ایجاد محدودیت می شود. اما به طور کلی الزامی است که به وسیله راه حل های مناسب اجرای درست این اصل مهم تضمین شود. راه حل های مختلفی در این زمینه وجود دارد که تمسک به حقوق کیفری به روش جرم انگاری فعالیت های آسیب زا و مانع آزادی در اکثر نهادهای حقوقی مرکز توجه بوده است. راه حل مورد بحث در واقع «حقوق کیفری بازرگانی»^۲ است. باید از راه حل هایی که حقوق کیفری پیشنهاد می کند بهره جست تا به روابط بازرگانی منطبت و سالم رسید و حتی از نظم گزند و عیب بودن آن حفاظت و حراست کرد. و بی اولین جبهه در میدان نبرد از منظر حقوق کیفری استفاده از «اصول قانونی بودن» است؛ و مبنایی ترین

^۱ Liberty of trade/ freedom of free enterprise

^۲ Commercial criminal law

حاکمیتی هستند که به شکل قدرت عالی و برون‌محول‌کننده تأثیرات بررسی‌های فعالیت‌های مجرمانه در رابطه با اختلافات و ناسازگاری‌های موجود در داخل‌الموبازرگانی‌ها و محافل‌مطلب با شرکت‌های بازرگانی مورد بررسی و مرکز می‌کنند (جمالی، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

برای بررسی تعاریف و پیشینه جرائم بازرگانی ابتدا باید به سابقه فعالیت بازرگانی پرداخت، حقوق بازرگانی بدون تردید قدمتی به تاریخ پیدایش جوامع مدنی خواهد داشت؛ اما آنچه که ابتدای تمدن بازرگانی تلقی شده است به تقریباً دو هزار سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد (اسکینی، ۱۳۹۹: ۵). دیرینه‌ترین اسناد موجود در زمینه روابط بازرگانی که اکنون در دست است به «الواح واراکا» که تقریباً دو هزار سال قبل از میلاد مسیح بوده و در شهر واراکا، از شهرهای کلدیه پیدا شده است و «قانون یا کد حمورابی» که پادشاه بابل بوده و در سال ۱۷۰۰ قبل از میلاد مسیح بوده. اما باید پذیرفت که بشر از ابتدای پیدایش تا کنون روابط بازرگانی داشته است چرا که افراد قادر به تأمین تمامی مایحتاج خود نبوده و پول هم به معنای امروزی هنوز اختراع نشده بود. افراد جوامع مدنی برای تأمین معاش خود ابتدا دست به مبادلات پایاپای می‌زدند. بدین معنا که خدماتی را در مقابل کالای مورد نظر خودشان و یا کالایی را در برابر کالای دیگر می‌دادند و به دین شکل احتیاجات خود را برطرف می‌کردند. از آنجا که در آن زمان جوامع بسیار ساده بودند قاعدتاً جرائمی هم که در حیطه روابط بازرگانی چه از نظر کمیت و چه کیفیت کالاها و خدمات رخ می‌داد بسیار ساده‌تر از امروزه بوده است. ولیکن باید این نکته مهم را هم بیان کرد که همیشه چنین رفتارهایی مورد ملامت و حتی توبیخ و مجازات بوده است.

سیاست قانونگذاری در ارتباط با جرائم بازرگانی جایگاه و موقعیت نامعلومی را اتخاذ کرده است؛ چرا که در رابطه با جرائم بازرگانی با ابهامات بنیادین و اساسی روبرو هستیم. اولین ایراد بنیادین عدم طرح و بیان محتوای جرائم اقتصادی توسط جرم‌شناسان و حتی حقوقدانان و تعریف و بیان مصادیقی بر این موضوع بوده است. بدین صورت که تعریف جرم بازرگانی و جدا کردن آن از جرم اقتصادی به صورت مشکلی بسیار پیچیده بوده که متأسفانه تا کنون بدان توجه نشده است. خالی از لطف نیست اگر بگوییم که قانونگذار جرائم اقتصادی نیز روشی واضح و روشن در پیش نگرفته است؛ برای تعریف جرم اقتصادی از تعریف مثالی استفاده نموده که این خود باعث مبهم شدن و تردیدهای فراوانی شده است (بهره‌مند، ۱۳۹۹: ۶۸).

این روابط ساده ذره ذره و به صورت تدریجی با پیچیده‌تر شدن جوامع و گسترده‌تر شدن روابط بازرگانی جوامع مختلف با یکدیگر از شکل ساده خود فراتر رفت و به موازات آن فعالیت‌های بزهکارانه متنوع‌تر و بیشتر شده این موضوع باعث شد تا میزان اهمیت این قسم جرائم بیشتر از قبل جلوه‌گری کند (دهقان دهنوی و کهزادی، ۱۳۹۹: ۶۱). از شکل‌گیری شخصیت‌های حقوقی یا همان شرکت‌های تجاری ۲۰۰ سال می‌گذرد و در طی این سال‌ها به دلیل دخالت این قسم از تجار در فعالیت‌های تجاری و همچنین ابهاماتی در شکل عملکردهای آنان بوده، جدای از افزایش این شخصیت‌های حقوقی، باعث ایجاد رفتارهای گوناگون و نوینی در رابطه با انجام جرائم و حتی شکل‌گیری تقسیم بندی تازه‌ای در جرائم توسط جرم‌شناسان و حقوقدانان تحت عنوان «جرائم شرکت‌های تجاری» شده است (sikman, ۲۰۱۳: ۸).

۲- گونه شناسی جرائم بازرگانی

جستجو در قوانین مختلف و متفرقه در قوانین مرتبط با امور تجاری و بازرگانی و حتی غیرمرتبط از طرف مراجع تقنینی، مصادیق غیر



ورشکستگی به تقلب در حقوق فرانسه سابقه جرمی از درجه جنایت محسوب و مرتکب به حبس یا اعمال شاقه محکوم می شده است. قانونگذار مواردی را تحت عنوان ورشکستگی به تقلب در ماده ۵۴۹ قانون تجارت به شرح زیر احصا نموده است. ۱- دفاتر تجاری خود را از روی عمد و سوء نیت مفقود کرده. ۲- بخشی از دارایی خودش را اخفا کند. ۳- قسمتی از دارایی خود را از طریق مواضعه و معاملات صوری از بین برده باشد. ۴- به وسیله اسناد یا توسط صورت دارایی و قروض به شکل متقلبانه به میزانی که مدیون نبوده چه شکلی غیر واقعی خود را مدیون قلمداد کرده باشد (صقری، ۱۳۹۶: ۳۳۶).

ورشکستگی به تقلب نوع خاصی از کلاهبرداری بوده چرا که هر دو در توسل به وسایل متقلبانه و ربودن مال غیر مشترک بودند اما برای ورشکستگی به تقلب سابقاً در قانون مجازات عمومی ماده ۲۳۶ مجازات سنگین تری نسبت به کلاهبرداری پیش بینی شده بود عناصر متشکله آن ۱- تاجر باشد ۲- از ادای دیون متوقف باشد دو توقف از ادای دیون ۳- ارتکاب تقصیر یا یاری گرفتن به وسایل متقلبانه برا بودن مال غیر احراز شود اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۶۷۰، مجازاتی به نسبت سبک در نظر گرفته شده است و از آنجایی که در ورشکستگی به تقلب ضرر غیرقابل جبرانی به نظام اقتصادی و حتی جامعه وارد میکند، این ضرر و این مجازات با هم در تعادل نیستند و همچنین تاجر صادقی که در کمال صداقت ورشکسته شده‌اند نیز پایمال خواهد شد. این اتفاق می‌افتد که به عنوان مثال وسیله ای تولید شده در کارگاه های تولیدی یا کارخانه و امتیاز آن توسط تاجر یا شرکت های تجاری خریداری شده (همان، ۱۳۳۹). اما در جامعه این محصول مورد پذیرش واقع نشده و تقاضایی برای عرضه آن وجود ندارد، در این حالت کارخانه ها مملو از محصولی هستند که خریداری برای آن وجود ندارد و یا در دنیای مد زمانی که محصولی مورد استقبال واقع نشده و یا دیگر استفاده نمی شود ما با کارخانه‌ای روبرو هستیم ایا با کارگاهی روبرو هستیم که قفسه های آن پر شده است از محصولاتی که دیگر خریداری نمی شود در این صورت و در چنین حالتی شرکت و کارخانه تصمیم می‌گیرد با تقلب و با مثلاً به راه انداختن آتش سوزی سوزی محصولات را به آتش کشیده از بین برده و از بیمه غرامت دریافت و خسارت وارد شده را تا حدی جبران نمایند.

ب) کلاهبرداری در شرکت‌های سهامی

در کلاهبرداری‌های شرکتی، در شرکت سهامی به ماده ۲۴۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت استناد کرد که بیان می‌دارد:

حصری که در قوانین متضمن جرائم بازرگانی در ایران بوده است عبارت است از:

۱- قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، مباحثی که در ارتباط با شرکت‌های تجاری، اسناد تجاری و ورشکستگی است.

۲- لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در ارتباط شرکت‌های سهامی، مواد ۲۴۳ تا ۲۶۹ و شرکت‌های مختلط سهامی و شرکت‌های با مسئولیت محدود مواد ۱۱۵، ۱۸۰ و ۲۹۹.

۳- قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ همراه با اصلاحات بعدی آن.

۴- قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۳ مواد ۴۶ تا ۷۷.

۵- قانون حمایت مصرف کنندگان جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۸ مواد ۱۸ تا ۲۲.

۶- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ مواد ۴۶ تا ۵۲.

۷- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات بعدی آن.

۸- قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹.

همانطور که سابقاً بیان شد در تمامی این قوانین هیچگونه تعریف تلویحی، علامتی، نشانه‌ای از تعریف جرم بازرگانی به میان نیامده است؛ چنانکه گویی این جرم وجود ندارد و تعریف و بیان آن اندک اهمیتی هم ندارد. هر چند که چنین نیست. چراکه لازمه شناساندن و شناخت این جرم بیان تعریفی واضح، شفاف و دقیق است تا بتوان با اینگونه جرائم مقابله و مبارزه کرد و حداقل راه‌های قربانی گرفتن و ورود ضربه و ایجاد اختلال در نظام اقتصادی و انواع امنیت‌های جامعه و افراد جامعه را در بدترین حالت محدود کرد اگر نتوانیم بگوییم که کاملاً راه این جرائم را بست.

البته در قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ فقط از این منظر که نظام اقتصادی کشور هدف قرار گرفته است ذکر شده نه از این جهت که منافع افراد و اشخاص معین و مشخصی به خطر افتاده باشد.

به عنوان مثال بررسی جرائم ورشکستگی به تقلب و کلاهبرداری در شرکت‌ها سهامی، مختلط سهامی، با مسئولیت محدود

الف) ورشکستگی به تقلب



ماده ۱۱۵- اشخاص زیر کلاهبردار محسوب می‌شوند:

الف- موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت سهم‌الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم‌الشرکه غیرنقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ب) کسانی که به وسیله متقلبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ج) مدیرانی که با نبودن دارائی یا با استناد صورت دارئی مزور، منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند....

اما در جرائم بازرگانی به این دلیل که عملیات تجاری و معاملات و داد و ستدهای بازرگانی به عنوان موقعیتی در جهت استفاده به عنوان ارتکاب انواع جرائم بهره جسته‌اند، پس باید منافع بازرگانی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مدنظر قرارداد و از آن حفظ و دفاع نمود (قجاوند، ۱۴۰۰: ۴۱). پس باید بیان داشت که اگر بخواهیم با توجه به آنچه شرحش رفت جرائم بازرگانی را تعریف کنیم بدین صورت می‌شود که: «رفتارهای مجرمانه که از سوی بازرگانان و تجار و اشخاص مرتبط با تجار و بازرگانان در حیطه فعالیت‌های تجاری گفته می‌شود» البته به دلیل پراکندگی مصادیق و نمونه‌های غیرحصری که در لابه‌لای قوانین مختلف آورده شده این تعریف ناقص است، چرا که هر تعریفی به لحاظ حقوق جزا باید سه جز داشته باشد؛ رکن مادی، رکن معنوی، رکن قانونی. که در تعریف مذکور رکن قانونی آن تا حدودی ناقص بوده و البته باید تأکید کرد که این تعریف صرفاً برای آشنایی بیشتر با مهم بودن موضوع پژوهش و لزوم توجه بدان عنوان شد.

۳- عناصر تشکیل دهنده جرایم بازرگانی

همانطور که قبلاً ذکر آن رفت برای شناخت بیشتر اینگونه جرائم باید اجزا این جرم مورد بررسی قرار بگیرد. در جزای عمومی سه مبحث جرم، مجرم و مجازات مورد بررسی قرار میگیرد. برای فهم و شناخت بیشتر مطلب ابتدا به چستی جرائم بازرگانی پرداخته. هر جرم از سه عنصر یا رکن تشکیل می‌شود: ۱- عنصر قانونی ۲- عنصر مادی ۳- عنصر معنوی.

۱- عنصر قانونی در جرائم بازرگانی: از آنجا که جرائم بازرگانی تحت عنوان جرم مستقلی و به

هر کس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه، که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد، مبادرت نماید، و یا از روی سوءنیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد، به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد، و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ج) کلاهبرداری در شرکت‌های مختلط سهامی

به سبب ماده ۲۹۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷: «آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مربوط به شرکت‌های سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکت‌های سهامی تجاری می‌باشد نسبت به آن شرکت‌ها به قوت خود باقی است»، و به سبب ماده ۱۸۰ قانون تجارت: «مفاد مواد ۸۹- ۹۰- ۹۱- ۹۲ این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم‌الرعایه است». و به سبب ماده ۹۲ قانون تجارت: «اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می‌شوند:

۱- هر کس برخلاف حقیقت مدعی وقوع تعهد اکتیاع سهام یا تأدیه قیمت سهام شده یا وقوع تعهد و یا تأدیه را که واقعیت ندارد اعلام یا جعلیاتی منتشر کند که به این وسایل دیگری را وادار به تعهد خرید سهام یا تأدیه قیمت سهام نماید اعم از اینکه عملیات مذکور مؤثر شده یا نشده باشد.

۲- هر کس به طور تقلب، برای جلب تعهد یا پرداخت قیمت سهام، اسم اشخاصی را برخلاف واقع، به عنوانی از عناوین، جز شرکت قلمداد نماید.

۳- مدیرانی که با نبودن صورت دارایی، یا به استناد صورت دارایی مزور، منافع موهومی را بین صاحبان سهام تقسیم نموده باشند.

د) کلاهبرداری در شرکت‌های با مسئولیت محدود

به سبب ماده ۱۱۵ قانون تجارت، مصوب ۱۳۱۱، که بیان می‌دارد:

اجزاء عنصری مادی شامل:

الف) ویژگی مرتکب: بدین معنا که در برخی جرائم مرتکب باید ویژگی خاصی را داشته باشد که این مورد شامل جرائم بازرگانی می‌شود بدین معنا که در وهله نخست جرائم بازرگانی باید الزاما توسط بازرگانان و تجار و خدمه آنان انجام شود. پس در اینجا سوال مهم تاجر و بازرگان کیست؟ مطرح می‌شود. در پاسخ بدین سوال باید به ماده ۱ و ۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مراجعه نمود که در ماده ۱ قانون تجارت، تعریف تاجر بدین شکل بیان شده است: «تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار بدهد.» برای تحلیل این ماده ابتدا باید گفت که منظور از کسی در این ماده اشخاص است، اعم از حقوقی یا حقیقی. و ملاک شغل معمولی تکرار همراه با امرار معاش بوده و منظور از معاملات تجاری آنچه که در ماده ۲ قانون مذکور عنوان شده است؛ بوده که توضیح این موارد و تاجر کیست و معاملات تجاری چیست خود مباحثی بسیار مفصل دارد که حقوقدانان و متخصصین مطرحی از جمله دکتر اسکینی و دکتر ستوده تهرانی و دیگر بزرگان این عرصه بدان پاسخ داده‌اند. آنچه که در این بحث اهمیت دارد و مرکز توجه و نقطه نظر نگارنده است این است که جرائم بازرگانی صرفا توسط اشخاصی که به عنوان بازرگان و تاجر شناخته شده و در تعریف قانونی آن گنجانده شده است صورت می‌گیرد و لاغیر. البته تفاوتی در نوع شخصیت ندارد خواه شخصیت مجرم حقیقی یا حقوقی بوده هیچ تفاوتی نمی‌کند. برای تایید مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌توان به ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استناد کرد که بیان می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...».

ب) موضوع جرائم: دومین مورد موضوع جرائم تجاری است مورد بدین معنا که جرائم بازرگانی الزاما باید مربوط به فعالیت‌ها، روابط و امور بازرگانی و تجاری باشد (اسکینی، ۱۳۹۹: ۶۰). چراکه جرائم تجاری و جرائمی که در قلمرو حقوق خصوصی یا حتی حقوق عمومی کاملا منفک، مستقل و جدا دانست و آنان را از یکدیگر تفکیک نمود. به بیان بهتر باید گفت در روابط بازرگانی و تجاری منظور از تمامی فعالیت‌ها کسب سود و منفعت بوده اما برعکس در روابط بین اشخاص

صورت یکپارچه و منسجم نیامده است و تنها مصادیقی غیرحصری آن هم به صورت پاره پاره و پراکنده در قوانینی گاه مرتبط و گاه نامرتب آمده است تشریح این بخش کاری دشوار و سخت است و تنها می‌توان چند نمونه از آن مصادیق را در این بحث به میان آورد. به عنوان مثال در کلاهبرداری‌های شرکتی، در شرکت سهامی به ماده ۲۴۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت استناد کرد که بیان می‌دارد: هر کس با سوء نیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اعلامیه انتشار اوراق قرضه، که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد، مبادرت نماید، و یا از روی سوء نیت جهت تهیه اعلامیه یا اعلامیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد، به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد، و هرگاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبردار بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. و همچنین برای تایید مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی می‌توان به ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استناد کرد که بیان می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود...».

۲- عنصر مادی یا پیکر جرم^۲ در جرائم بازرگانی:

در تعریف عنصر مادی باید گفت که «عنصر مادی جرم گاهی رفتاری^۴ را شامل می‌شود و در موارد معدودی حالتی است که بر شخص مستولی می‌شود.» (اردبیلی، ۱۳۹۹: ۱۳۶)

در بیانی ساده‌تر باید گفت که: تبلور خارجی عمل پیش‌بینی شده در قانون در عالم ماده را پیکر جرم یا عنصر مادی گویند.

^۴ Comportement

^۲ Corps du delit



اصطلاح سیاست جنایی نخستین بار توسط آنسلم فون فوئر باخ^۷ در کتاب حقوق کیفری وی منتشر شده در سال ۱۸۰۳ میلادی بیان شد. در این کتاب وی در تعریف سیاست جنایی بیان داشت که به: «مجموعه‌ای از روش‌های سرکوب‌گرایانه‌ای که دولت با توسل از آنها علیه رائم واکنش نشان می‌دهد».

مفهوم سیاست جنایی تحولاتی را به دنبال داشت که عبارتند از:

مفهوم مضیق: جرم انگاری^۸ واکنش کیفری به وسیله دولت با بزهکاران، بارزترین صورت واکنش نسبت به بزه و بزهکار است، به همین دلیل است که اولین استفاده سیاست جنایی در مفهومی برابر حقوق کیفری یا سیستم کیفری است که بر مبنای جرم، مجازات و قانون است. همانطور که در تفسیر فوئر باخ سیاست جنایی به روش‌های سرکوبگر، اعمال شونده به وسیله دولت بر علیه بزه محدود شده، در قیاس با تغییرات مفهوم سیاست جنایی قادر است آن را با معنای مضیق سیاست جنایی^۹ بیان کرد.

مفهوم موسع: هریک از اجزاء سه‌گانه مفهوم مضیق سیاست، در سلسله تغییرات گسترش یافته. فون لیست در پایان قرن نوزدهم سیاست جنایی را «مجموعه‌ای منظم از اصولی که دولت و جوامع توسط آنها به مقابله با جرم سازمان خواهد بخشید» تعریف کرده است. در این مفهوم دولت در کنار جامعه مسئولیت سازماندهی و اعمال سیاست جنایی است. علاوه بر این در تعاریف دیگر از اصطلاح هیأت اجتماع سخن به میان آورده است؛ بدین معنا که علاوه بر نظام‌های مختلف دولتی، جوامع مدنی نیز سهم بسزایی در راستای مقابله با پدیده مجرمانه دارند. پس باید گفت که سیاست جنایی در مفهوم نوین خود، شامل همه تدابیر و اقدامات پیشگیرانه و سرکوبگرانه، در راستای مقابله با رفتارهای مجرمانه، اصلاح و حتی سرکوب بزهکار نیز می‌شود.

انواع سیاست جنایی

در حوزه حقوق خصوصی تمامی ارتباطات به طور خاص و مشخص از زمینه این است که اعضا و اشخاص ارتباطات خودشان را تحت عناوین شهروندی با یکدیگر تنظیم می‌کنند که ممکن است ارتباطات مالی را هم دربر بگیرد اما صرفاً ارتباطات مالی نیست برعکس روابط تجاری.

پس نتیجه این مورد چنین است که برای ارتکاب جرائم بازرگانی الزاما باید در قلمرو تجارت و بازرگانی و خارج از معاملات دولتی و حتی مدنی باشد چراکه در این صورت جرائم ارتكابی در حوزه جرائم بازرگانی وارد نشده است (قجاوند، ۱۳۹۹: ۴۱).

ج) ویژگی بزه‌دیده: ویژگی بزه دیده از این جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد که الزاما باید معین و مشخص باشد بدین معنا که جرائم بازرگانی ارتكابی بر علیه منافع مشروع شخص که تفاوتی بین حقیقی و حقوقی بودن آن نمی‌کند و همچنین تعداد خاصی هم مدنظر نیست؛ باید از این جرم آسیب دیده باشند که تفاوتی میان مستقیم یا غیرمستقیم بودن آن ندارد؛ این وجود بزه دیده معین بدین جهت حائز اهمیت است که بسیاری موارد ارتكاب جرائمی که بعضی مواقع در جامعه توسط مرمین انجام می‌شود منافع افراد مشخص و معینی را به طور مستقیم آسیب نمی‌رساند بلکه جامعه در معنای عام کلمه است که سیل آسیب واقع شده است و حتی در بعضی موارد افراد جامعه ورود آسیب را گاه حس نکنند و تأثیر واضح و ملموسی را هم روند زندگی خود به واسطه ورود آن جرائم نبینند؛ ولیکن در جرائم بازرگانی اینگونه نیست.

۳- عنصر روانی: عنصر روانی در جرائم بازرگانی علم به حکم یا موضوع، سوءنیت (اعم از خاص و عام) و انگیزه مجرمانه که همان هدف نهایی از ارتكاب جرائم بازرگانی است، می‌باشد.

۴- مضایف و تکالیف دولت در قبال مقابله با جرائم بازرگانی

سنتی‌ترین و بدیهی‌ترین و قدیمی‌ترین وظایف دولت‌ها ایجاد امنیت و نظم بخشیدن به جامعه با توسل به وضع قوانین مناسب به حال و شرایط جامعه، قوانینی که واضح، روشن، یکپارچه و منسجم باشد و هرازگاهی به نسبت شرایط موجود نسبت به بروزرسانی آن قوانین اقدام نماید. لازم از قبل از ورود به بحث وظیفه دولت، جستاری به سیاست جنایی^{۱۰} زده و به بررسی آن پرداخته (لازرز، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

^۸ Incrimination

^۹ Penalpolicy

^۵ Mens rea

^۶ Criminal policy

^۷ Anselm von feuer bach



شکلی که بحث آن رفت اگر تدوین و تصویب شوند، تغییرات و تفسیرات کمتری را لازم دارند و کمتر دستخوش اینگونه تفسیر و تغییراتی خواهند شد (شیروی، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

متأسفانه در نظام حقوقی ایران قانونگذار روشی که برای روند تصویب و تدوین قوانین داشته است نه مطلوب بوده و نه حتی قابلیت دفاع از این رویکرد را داشته است. چراکه اصل اولیه و اساسی قانون نویسی که همان یکپارچه بودن قوانین است، به هیچ عنوان رعایت نشده است. قوانین و عناوین مجرمانه به شکلی پاره پاره، پراکنده و متعدد آورده شده است، که گاه حتی به قوانینی برخورد می‌کنیم که تاریخ انقضاء آن سر آمده و عملاً قابلیت استفاده در شرایط کنونی و فعلی جامعه را ندارد؛ نه تنها همچنان منسوخ نشده و به روز هم نشده، بلکه حتی حرفی از جایگزین کردن این قانون بی‌مصرف و اصطلاحاً مرده به میان نیامده است.

بازرترین مثال برای این موضوع، جرائم بازرگانی است. جرائم بازرگانی به غیرتخصصی‌ترین حالت ممکنه، کاملاً نامرتبط در میان قوانینی یافت می‌شود که می‌توان گفت اصلاً کیفری نیستند، هرچند که این مصادیق غیرحصری بدون اینکه قانونگذار تعریف واضح و روشنی از آن ارائه داده باشد در کنار سایر مواد قانونی مانند وصله‌ای ناجور در میان سای مواد به چشم می‌خورد (رهبری، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

باری، امید است که قانونگذار با گردآوری قوانین و مقررات جرائم بازرگانی در یک مجموعه واحد که از انسجام و وحدتی باشد که دارای ساختاری نظاممند به این مسئله موضوعیت ببخشد؛ در عوض وجود قوانینی متشتت، نه اصلاح شده‌اند، نه باعث رفع ابهام می‌شود و نه حتی کارایی لازم در جهت نظم و امنیت بازرگانی می‌شود و باعث آشفتگی افراد جامعه و حتی متخصصین شده است.

۵- بازنگری و اصلاح پیوسته مجازات‌های قانونی

اصل تناسب در میان جرائم و مجازات‌ها، یکی از اصول اساسی در حقوق کیفری بوده. همیشه در عقاید جدید جرم‌شناسان و کیفرشناسان جایگاه خاص و ویژه‌ای داشته است. اصل تناسب میان جرم و مجازات از چنان اهمیتی برخوردار است که اکثر نهادهای حقوقی وجود آن را الزامی دانسته و رعایت آن را حتمی دانسته به شکلی که نه قابل مسامحه و نه قابل اقماض بوده.

از آنجایی که هر سیاست جنایی در راستای رسیدن به هدفی به وود آمده است، پس می‌توان سیاست جنایی را به سه دسته: تقنینی، قضایی و مشارکتی تقسیم نمود.

سیاست جنایی تقنینی با بهره بردن از ابزار قوانین که دربردارنده قانون اساسی، قوانین جزایی و آئین دادرسی کیفری می‌باشد، سیاست جنایی قضایی با استفاده از ابزارهای قضایی که مقام قضایی بنابر اختیارات خود می‌تواند از آنها استفاده کند مانند مجازات‌های جایگزین حبس یا نظام نیمه آزادی و ... و سیاست جنایی مشارکتی با استفاده از حمایت و مشارکت اهرم‌های مردمی (علاوه بر استفاده از ابزارهای قانونی و قضایی) سعی در رسیدن به اهداف سیاست جنایی مطلوب را دارند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

با توجه به آنچه که گفته شد الزامات تقنینی که در محدوده جرائم بازرگانی در اکثر موارد از بایسته‌های عام جرم انگاری در حقوق کیفری پیروی کرد و بدین جهت لازم است که از مصادیق مختلفی برای جرائم بازرگانی در راستای تفسیر و تحلیل این جرائم قرار گیرند.

وضع قوانین هماهنگ و واحد در قلمرو قوانین کیفری

وضع قوانین عملی اساسی در علم حقوق به حساب آورده شده، به شکلی که خیل عظیمی از عالمان علم حقوق، بقا و دوام یک نهاد حقوقی را نیازمند تألیف قوانینی می‌دانند که به شکل ساختار یافته و نظاممند باشد. بر همین اساس از بین اصول قواعدی که مفصلاً راجع به راه و روش‌های قانونگذاری وجود دارند، مورد نظر قرار داده است. در بین همه اصول و قواعدی که برای امر خطیر قانونگذاری و قانون نویسی وجود دارد، اساسی‌ترین ویژگی آن انسجام و وحدت آن است. به صورتی که برخی متخصصین علم حقوق عدم توجه به آن را سببی اصلی در ارتباط با عدم کیفیت و حتی کاهش کارایی و کارکرد قانون می‌پندارند (بهرامی، ۱۳۹۰: ۳۳).

از آنجا که در نهادهای حقوقی مدون چون قوانین به شکل مکتوب بوده پس در مجموعه‌های مفصلی تدوین می‌شود. منسجم بودن پس پیوستگی و انسجام آن بیشتر جلوه گری می‌کند. بر همین مبنا است که قوانین باید به شکلی تألیف شود که تا حد امکان تمامی موضوعات مربوطه را به شکلی هماهنگ در برگیرد و نهایتاً تحت مجموعه‌ای واحد قرار گرفته؛ بدین صورت است که اینگونه قوانین باعث آگاهی تمامی افراد جامعه، خواه افراد عام خواه متخصصین علم حقوق می‌شود و بدین طریق است که افراد به تمامی حقوق و تکالیفی که دارند واقف شده؛ البته باید خاطر نشان کرد که مبانی قانونی که بدان



قوانین تخصصی و پوشانیدن هرگونه خلا قانونی هستند. متأسفانه در کشور ما جرائم تجاری همچنان به رسمیت شناخته نشده است.

بر همین مبنا پیشنهاداتی در ذیل ارائه شده است:

۱- جرائم بازرگانی بر اساس مقتضیات و سازگاری با نظام تجاری و اقتصادی کشور جرم انگاری شود. تعریفی واضح، روشن، شفاف از آن ارائه شود که ابهامات را در ذهن مخاطب تا حد امکان برطرف سازد.

۲- همه جرائم بازرگانی تا آنجا که ممکن است در مجموعه و دسته‌ای واحد و یکپارچه و منسجم تألیف شود تا در ابتدا امر از تعارض این قوانین با دیگر قوانین جلوگیری شود و سپس روشی واضح و روشن و خالی از ابهام در ارتباط با آن اخذ شود؛ اینگونه است که بروزرسانی و اصلاح قوانین بدون هر دشواری و خالی از سختی انجام می‌گیرند

۳- مجازات‌های قانونی که منعطف و تغییرپذیر هستند که در اینجا جزایهای نقدی مدنظر هستند؛ پیوسته اصلاح و متناسب با تغییر نرخ تورم به روز شود؛ اینچنین است که در دراز مدت از به اندازه نقشی که در زمینه اقتصاد دارد از مشکلات اقتصادی جلوگیری می‌کند.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود. از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقلله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود. از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود. نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

مطالعه و تحقیق در ارتباط با جرائم تجاری در ایران نشان از آن دارد که جرائم ذکر شده به توجه به موقعیت اجتماعی و اقتصادی که امروزه دارد، به دورترین حالت خود از این اصل مهم مبنایی رسیده است و به همان اندازه که این از این اصل دور شده است به همین اندازه نیز باعث متروک شدن قوانین در این حوزه و عدم کارایی و حتی کاهش کارایی آن شده است. پس باید بیان کرد وضعیت جزای نقدی در حوزه جرائم بازرگانی همچنان در سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۴۷ مانده و تاکنون هیچ تغییری نکرده است. به حدی که ارقام مورد مجازات در مواد این قوانین هیچگونه سنخیتی به عنوان مجازات ندارد چراکه در طی این سال‌ها ارزش ارقام به شدت افول کرده و حتی می‌توان گفت که سقوط کرده است؛ بر همین مبنا مقامات قضایی نیز هیچ میل و رغبتی برای استناد به این مجازات‌های نقدی ندارند. پس باید انتظار داشت که وضعیت فعلی در حوزه جرائم بازرگانی معطلی بسیار بزرگ بوده چراکه قوانین پراکنده در کنار به روز نبودن همان قوانین پراکنده نتیجه آن قوانینی که کارایی ندارد و هیچ قانون جایگزینی هم برای آن در نظر گرفته نشده است و سخنی هم از بروزرسانی آن قوانین کهنه و قدیمی به میان نیامده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به اینکه در نظام حقوقی کشور ما شدیداً احتیاج به تألیف، تصویب قوانین و مقررات تخصصی و به روز و متناسب با حوزه جرائم بازرگانی وجود دارد. پژوهش حاضر خود گواهی برای اثبات همین مدعا بوده که جامعه در این حوزه با نقص شدید و سردرگمی بسیار زیادی روبرو است، چنان که گویی جرائم بازرگانی توسط نهاد قانونگذاری به رسمیت شناخته نشده که این موضوع باعث ورود خسارات جبران ناپذیری در حوزه ارتباطات بازرگانی شده و اگر روند به همین منوال پیش برود این حوزه بزه دیدگان فراوانی را در خود جای خواهد داد که تاکنون قربانیان زیادی را به واسطه نقص در قانونگذاری داشته است.

مصادیقی از جرائم بازرگانی که به صورت پاره پاره، مبهم، بدون اینکه نقطه‌ای را در ذهن متخصصین روشن کند؛ آن هم در قوانینی بسیار قدیمی و ناکارا، حتی قابلیت تطبیق آن با ضروریات اجتماعی و اقتصادی نیست. باید یادآوری کرد که در همه کشورهای توسعه یافته به دنبال سلامت بازرگانی و تجاری بوده‌اند و با ارتقا قوانین و ارائه



فهرست منابع

۶۶. زاکانی، نظام الدین عبید (۱۳۹۰) رساله دلگشا، چاپ دوم، تهران، انتشارات اساطیر.

۷۷. زرگر، علی (۱۳۹۷) «بررسی جرائم بورس ی و اوراق به اداری در قانون جزایی کش ور»، فصلنامه الکترونیکی پژوهش های حقوقی قانون یار، ش ۱.

۸۸. ستوده تهرانی، حسن (۱۳۹۵) حقوق تجارت، جلد اول، چاپ ۳۵، تهران، نشر دادگستر.

۹۹. شمس ناتری، محمد ابراهیم و همکاران (۱۳۹۳)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

۰۰. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰). حقوق تطبیقی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.

۱۱. صفاری، علی (۱۳۹۱). کیفرشناسی، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات جنگل.

۲۲. عالی پور، حسن (۱۳۹۲) حقوق کیفری فناوری اطلاعات، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

۳۳. قجاوند، محسن و امید شیرزاد (۱۳۹۹) «تحلیل کاربردی عناصر متشکله بزه معامله به قصد فرار از دین در قانون و رویه قضایی ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ش ۳.

۴۴. قورچی بیگی، مجید (۱۳۹۷) «پاسخ دهی به جرائم اقتصادی، از راهبرده ای کیفری تا حقوق تنظیمی اقتصادی»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرائم اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

۵۵. کاویانی، کورش (۱۳۹۴) حقوق اسناد تجاری، چاپ ششم، تهران، نشر میزان.

۶۶. لازرژ، کریستین (۱۳۹۴) درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علیحسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.

۷۷. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۷) حقوق کیفری اختصاصی، جرائم علیه اموال و مالکیت، چاپ ۲۲، تهران، نشر میزان.

۸۸. موزن زادگان، حسنعلی (۱۳۹۷) «انتشار حکم محکومان اقتصادی»، دانش نامه علوم جنایی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

۹۹. نجفی ابرندآبادی، علیحسین و حمید هاشم بیگی (۱۳۹۸) دانشنامه جرم شناسی، چاپ پنجم، تهران، گنج دانش.

۰۰. لازرژ، کریستین؛ درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۳۹

۱. ابراهیمی، شهرام و مجید صادق نژاد نایینی (۱۳۹۵). «تحلیل جرمشناختی جرائم اقتصادی»، مجله پژوهش حقوق کیفری، دوره ۲، ش ۵.

۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۹۹). حقوق تجارت، شرکت های تجاری، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت.

۳. --- (۱۳۹۲). حقوق تجارت، کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات سمت.

۴. بهرامی، بهرام (۱۳۹۵) بایسته های تفسیر قوانین و قراردادها، چاپ سوم، تهران، انتشارات نگاه بینه.

۵. بهره مند، حمید (۱۳۹۸) «جرم اقتصادی در حقوق ایران، از تعریف تا پاسخ ها»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرائم اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

۶. یاسبان، محمد رضا (۱۳۹۳) حقوق شرکت های تجاری، چاپ هفتم، تهران، انتشارات سمت.

۷. پاکباز، سیامک (۱۳۹۵) سوء استفاده از وضعیت اقتصادی مسلط در حقوق رقابت، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

۸. جعفری، امین (۱۳۹۲) حقوق کیفری کسب و کار، چاپ اول، تهران، شهر دانش.

۹. حلبی، علی اصغر (۱۳۷۸) خواندنی های ادب پارسی، چاپ اول، تهران، انتشارات اساطیر.

۰۰. خالقی، علی (۱۳۹۷) نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی.

۱۱. دمرچیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرایی (۱۳۹۰) حقوق تجارت در نظم حقوقی کنونی، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات دادستان.

۲۲. دهقان دهنوی، محمد علی و نوروز کهزادی (۱۴۳۹). مبانی علم اقتصاد، چاپ اول، تهران، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.

۳۳. رحمانی، عطا الله (۱۳۹۴) حقوق ورشکستگی، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه.

۴۴. رستمی، هادی (۱۳۹۸) «ماهیت و آثار جرائم اقتص ادی در قوانین کیفری ایران»، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی سیاست جنایی ایران در زمینه جرائم اقتصادی، چاپ اول، تهران، نشر میزان.

۵۵. رهبری، ابراهیم (۱۳۹۳) حقوق اسرار تجاری، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.



Garner, Bryan A. (۲۰۱۱). *Black Law Dictionary*, ۴th edition, Thomson Reuters Business. ۶۵

Gunningham, Neil (۲۰۱۶). *Regulation: From Traditional to Cooperative*, Oxford Handbook of White Collar Crime, ۵th edition, Oxford University Press.

Heeks, Matthew (۲۰۱۸). "The Economic and Social Costs of Crime", *Home Office Reports*, Vol. ۱۲, NO. ۲.

Sikman, Mile (۲۰۱۳). *Corporate Crime: New Approaches and Future Challenges*, First edition, Northeastern University Press.

۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ از سیاست کیفری تا سیاست جنایی، دیباجه درآمدی به سیاست جنایی، تهران، نشر میزان، بهار ۱۳۸۲، چاپ اول، ص ۱۱ و ۱۰

۲۲. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۳، چاپ اول، ص ۲۳

۳۳. مارتی، میری دلماس؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، پائیز ۱۳۸۱، چاپ اول، جلد نخست، ص ۲۳ و ۲۴.

۴۴. Croall, Hazel (۲۰۱۳). "Combating Financial Crime: Regulatory Versus Crime Control Approaches", *Journal of Financial Crime*, Vol. ۱۱, NO. ۱.





Scientific Jurisprudence and Law

Print ISSN: ۲۷۱۷- ۱۴۶۹
Online ISSN: ۲۷۱۷ - ۱۴۷۷

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
fifth Year, Issue ۱۵
, Pages ۱-۱۲

Analysis of commercial crimes in Iranian criminal law

Hamidreza Hajizadeh^{۱*}

Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran

Abstract

The duty of criminal policy is to prevent and confront the phenomenon of crime, which defends the society by criminalizing behaviors that disturb the order and security of the society. By criminalizing the behaviors that destroy the healthy business process and cause the loss of the rights of the people who were related to this process, it has always been considered in all legal institutions under the headings of business regulation methods. Although in Iranian law, the requirements of benefiting from the mentioned method have been the focus of the legislator's attention, but the legislative criminal policy that has the necessary coherence and compliance with the new scales of criminal law has not been foreseen. The first deficiency in this field is the lack of a clear and clear definition of commercial crimes, which can be seen in such a way that this concept cannot be separated from other concepts, which has caused a very fundamental challenge. The legal criminal policy that exists in relation to commercial crimes needs the existence of principles and laws, which neglecting this issue has caused the inefficiency and ineffectiveness of the laws enacted in relation to these crimes. In the present research, by using the descriptive and analytical method, we reached the conclusion that commercial crimes are separate from other similar crimes, and the development of single and coherent laws and the need to continuously revise and modify legal punishments are among the most important of these findings.

Keywords: Commercial crimes, legislative criminal policy, law reform, the role of the government, criminal law

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

* Email: lawiran@pnu.ac.ir